

تحلیل اجرای موقت معاهده منشور انرژی در پرتو رأی یوکاس و مقایسه با نظام حقوقی ایران^۱

لعیا جنیدی^{۲*}، غزال کشاورزی^۳

چکیده

معاهده منشور انرژی، به منظور لزوم اعمال و توسعه سریع قواعد خود در پرتو نقش انرژی در توسعه اقتصادی، نهاد اجرای موقت را پیش‌بینی کرده است. ماده ۴۵ این معاهده در مقام بیان اجرای این اصل استثنائاتی را بیان کرده که ابهامات موجود در این زمینه و تفاسیر متعدد، سرمنشأ اختلافاتی در عرصه بین‌المللی شده است. از بارزترین اختلافات در این زمینه پرونده یوکاس علیه جمهوری فدرال روسیه است. در این رأی دیوان داوری و دادگاه صالح رسیدگی کننده با تکیه بر معاهده منشور انرژی و قوانین روسیه، تفاسیر متعدد از ماده ۴۵ معاهده را ارائه داده و رویکردهای متفاوتی را اتخاذ کرده‌اند. مطالعه اصل اجرای موقت معاهدات در پرتو رأی مذکور می‌تواند ضمن ارائه آخرین دیدگاه‌های موجود در این زمینه، قانون‌گذاران ملی کشورهای متقاضی عضویت در معاهده منشور انرژی، از جمله ایران را در سیاست‌گذاری‌های قانونی مناسب یاری رساند. نوشتار حاضر با بررسی مقررات معاهده منشور انرژی در خصوص نهاد اجرای موقت و تبیین نظرهای مراجع رسیدگی کننده در پرونده یوکاس، مغایرت‌های موجود در نظام قانونی ایران و نظام حاکم بر معاهده منشور انرژی را، در صورت امضای اعلامیه منشور انرژی از سوی ایران و شروع اجرای موقت تبیین می‌کند.

کلیدواژگان

اجرای موقت، دیوان دائمی داوری، رأی پرونده یوکاس، معاهده منشور انرژی، نظام حقوقی ایران.

۱. مقاله برگرفته از پایان‌نامه کارشناسی ارشد است.

۲. دانشیار، گروه حقوق خصوصی و اسلامی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران (نویسنده مسئول).
Email: joneidi@ut.ac.ir

۳. کارشناسی ارشد، حقوق تجاری اقتصادی بین‌المللی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.
Email: ghazaalkeshavarzi@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۱۰/۱۶، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۰۲/۱۰

مقدمه

انرژی قلب تپنده اقتصاد جهانی است و تمام کشورها اعم از سرمایه‌فرست و سرمایه‌پذیر به‌نوعی به انرژی وابسته‌اند. در حال حاضر معاهده منشور انرژی تنها معاهده چندجانبه بین‌المللی حاکم بر حوزه انرژی است که سعی در پوشش تمامی موضوعات این حوزه و قاعده‌مند کردن آن داشته است. هدف معاهده منشور انرژی تدوین قوانین مشترک در خصوص امنیت انرژی و توسعه پایدار آن است. این معاهده شامل بخش‌های مختلفی از جمله سرمایه‌گذاری، تجارت و ترانزیت، محیط‌زیست، حل‌وفصل اختلافات و ... است. با توجه به اهمیت انرژی و تشریفات طولانی و زمان‌بر انعقاد معاهده شامل امضا، تصویب و لازم‌الاجرا شدن آن، در ماده ۴۵ معاهده منشور انرژی نهاد اجرای موقت که نهادی شناخته‌شده در حقوق بین‌الملل است، پیش‌بینی شده است. اغلب کشورهای توسعه‌یافته و دارای ذخایر انرژی به‌ویژه در حوزه دریای مازندران به این پیمان پیوسته‌اند. اکثر کشورهای عضو اوپک نیز در حال سپری کردن مراحل الحاق کامل خود به این معاهده‌اند. ایران که یکی از اعضای اصلی اوپک است با توجه به موقعیت استراتژیک خود، از سال ۱۳۸۱ تحت عنوان عضو ناظر مدعو پذیرفته شده بود و در سال ۱۳۹۵ با امضای منشور جهانی انرژی^۱ در لیست اعضای ناظر دائم قرار گرفت^۲ و باید پس از انجام مطالعات و بررسی‌های لازم در خصوص الحاق دائم به آن تصمیم‌گیری کند. کشور ما در دوران حضور خود به‌منزله ناظر هیچ‌گونه مسئولیتی به عهده ندارد، اما در صورت امضای منشور اولیه انرژی (اعلامیه منشور انرژی) تا زمان تصویب این معاهده و الحاق دائم، در فرض صادرنشدن اعلامیه‌ای مبنی بر عدم اجرای موقت، ملزم به اجرای موقت آن است. این امر در فرض مطالعه‌نداشتن کافی در بررسی نظام حقوقی حاکم بر معاهده منشور انرژی و تطابق آن با نظام قانونی کشور، می‌تواند فرصت عضویت در یک معاهده مهم را به تهدیدی در مقابل دستیابی به اهداف اقتصادی کشور مبدل کند. بنابراین، بررسی ماده ۴۵ این معاهده و تبیین حدود و ثغور

۱. کنفرانس وزارتی لاهه ۲ درباره منشور بین‌المللی انرژی در سال ۲۰۱۵ در لاهه برگزار شد تا منشور بین‌المللی انرژی را به‌منزله منشور روزآمدشده انرژی اروپا تصویب کند. در پایان کنفرانس مذکور که در سطح وزیران برگزار شد اعلامیه‌ای تحت عنوان منشور بین‌المللی انرژی به امضا رسید که تاکنون ۸۰ کشور اعم از اعضای منشور انرژی، امضاکنندگان منشور اروپایی انرژی (۱۹۹۱) و سایر کشورهای غیرعضو آن را امضا کرده‌اند که براساس متن آن، منشور مذکور هیچ‌گونه تعهد قانونی و مالی برای امضاکنندگان ایجاد نمی‌کند. محورهای اصلی منشور بین‌المللی انرژی عبارت‌اند از: اهمیت و نقش روزافزون کشورهای در حال توسعه در امنیت جهانی انرژی، توسعه اقتصادی و حفاظت از محیط‌زیست، نقش تجارت فزاینده انرژی بر توسعه پایدار، ضرورت تشویق و دستیابی به خدمات مدرن انرژی، کاهش فقر در زمینه انرژی، فناوری پاک و ظرفیت‌سازی، ضرورت تنوع‌بخشیدن به منابع و مسیرهای انرژی، نقش ادغام منطقه‌ای بازارهای انرژی.

2. Agreed text for adoption in the Hague at the Ministerial Conference on the International Energy Charter, 20 May 2015.

مطرح در آن درخصوص اجرای موقت معاهده حائز اهمیت بسیار است که می‌توان آرای صادرشده در این زمینه را سندی برای اثبات این مدعی دانست. در دعاوی بین‌المللی هیچ قاعده‌ای مبنی بر لزوم تبعیت از تصمیمات قبلی وجود ندارد، اما مراجع داوری معمولاً از آرای قبلی برای تصمیم‌گیری بهتر کمک می‌گیرند و این آرا غالباً نشانگر دیدگاه حاکم بر موضوع‌اند. از همین رو، یکی از راه‌های شناخت بهتر معاهده منشور انرژی بررسی آرای داوری است. تاکنون ۲۳ کشور از کشورهای امضاکننده منشور با اقامه دعوی از سوی سرمایه‌گذاران، با استناد به حق اقامه دعوی مستقیم موجود در معاهده، مواجه شده‌اند. مهم‌ترین رأی صادرشده در این زمینه مربوط به دعوی شرکت نفت یوکاس علیه روسیه است که بزرگ‌ترین و مهم‌ترین رأی داوری از نظر مدت زمان رسیدگی و میزان خسارت طی تاریخ نیز محسوب می‌شود. در این دعوی روسیه به پرداخت ۵۰ میلیارد دلار خسارت به خواهان‌های پرونده ملزم شده است. روسیه در ۱۷ دسامبر ۱۹۹۴ معاهده را امضا کرد، اما هیچ‌گاه آن را تصویب نکرد و سرانجام در سال ۲۰۰۹ به عضویت خود در معاهده منشور انرژی خاتمه بخشید. اولین ایراد مطرح‌شده از جانب روسیه مربوط به اجرای موقت معاهده و صلاحیت نداشتن دیوان است که بسیار چالش‌برانگیز به نظر می‌رسد. در این نوشتار با توجه به اهمیت معاهده منشور انرژی و لزوم بررسی دقیق آن به منظور تصمیم‌گیری درخصوص الحاق به این معاهده، به بررسی اجرای موقت معاهده با تکیه بر استدلال‌ات مطرح‌شده در رأی یوکاس و مقایسه آن با قانون ایران می‌پردازیم.

اجرای موقت معاهدات

۱. اجرای موقت معاهدات در حقوق بین‌الملل

معاهده مهم‌ترین منبع حقوق بین‌الملل در جهت پاسخ‌گویی به نیازها و رفع مشکلات جامعه جهانی و بارزترین جلوه همکاری کشورها در عرصه بین‌المللی است. انعقاد هر معاهده سه مرحله امضا، تصویب و لازم‌الاجرا شدن را دربر دارد. طبق قاعده بنیادین حقوق معاهدات، مقررات معاهده پیش از لازم‌الاجرا شدن، از نظر حقوقی الزام‌آور نیست (Asada, 2002: 92). بنابراین معاهده تا زمانی که لازم‌الاجرا نشود در اعضا اثر حقوقی ندارد و تنها در ماده ۱۸ کنوانسیون حقوق معاهدات وین ۱۹۶۹ و در قالب شروط آن است که قلمرو این قاعده محدود شده است. طبق این ماده، کشور یا سازمانی که معاهده را امضا می‌کند تا هنگامی که معاهده را تصویب کند یا قصد خود مبنی بر عضویت نداشتن در معاهده را اعلام دارد، نباید مرتکب اعمالی شود که به هدف و موضوع معاهده لطمه وارد کند. در مقام تفسیر این ماده می‌توان گفت که تدوین‌گران کنوانسیون وین در ماده مذکور، بیشتر بر جنبه ترک فعل تأکید دارند و تکلیف

مثبتی را بر اعضا بار نمی‌کنند (Rogoff, 1980: 297). نظام حاکم بر انعقاد معاهدات مستلزم رعایت تشریفات پیچیده داخلی و بین‌المللی است. رعایت این تشریفات با لزوم اجرای سریع برخی معاهدات تعارض دارد. از این رو، به‌منظور حل مشکل و ایجاد سازش بین نیاز به اجرای سریع معاهده و رعایت تشریفات طولانی، سازوکاری به نام «اجرای موقت»^۱ پایه‌گذاری شده است (Niebruegge, 2007: 357). این نهاد در ماده ۲۵ کنوانسیون حقوق معاهدات وین ۱۹۶۹ منعکس شده است. هنگام تدوین کنوانسیون وین استفاده از این نهاد بعید به نظر می‌رسید، اما امروزه در موارد بسیاری استفاده و روزبه‌روز بر اهمیت آن افزوده می‌شود. براساس ماده ۲۵: «۱. یک معاهده یا قسمتی از آن در صورتی قبل از لازم‌الاجرا شدن آن موقتاً اجرا خواهد شد که:

الف) معاهده خود چنین امری را مقرر نماید؛ یا ب) کشورهای مذاکره‌کننده به طریق دیگری در این مورد توافق کرده باشند.

۲. به جز در مواردی که معاهده نحوه دیگری را مقرر نماید و یا کشورهای مذاکره‌کننده به نحو دیگری توافق کرده باشند، در صورتی که کشوری به کشورهای دیگری که مابین آن‌ها معاهده موقتاً اجرا می‌شود اطلاع بدهد که قصد پیوستن به معاهده را ندارد، اجرای موقت یا قسمتی از آن در ارتباط با کشور مذکور متوقف خواهد شد» (Vienna Convention on the Law of Treaties, 1996: Art. 25).

اگر اجرای معاهده پیش از لازم‌الاجرا شدن آن ضرورت داشته باشد، نهاد اجرای موقت وارد چرخه عمل می‌شود. مهم‌ترین دلیل ضرورت اجرای موقت در زمان بحران‌های بین‌المللی است که طی فرایند زمان‌بر تصویب و لازم‌الاجرا شدن معاهده ممکن است اجرای معاهده را به تعویق اندازد و مقابله با بحران را با مشکل مواجه کند (Laidlaw, 2012: 660). علاوه بر موارد ذکر شده، فواید دیگری را نیز می‌توان در اجرای موقت معاهدات برشمرد که از جمله این موارد، اجرای این نهاد در زمانی است که مشارکت گسترده و اجرای سریع معاهده نقشی اساسی در ثمربخشی پیمان ایفا می‌کند. اجرای موقت همچنین هنگامی که معاهده سازوکار نهادین پیچیده‌ای داشته باشد، مفید خواهد بود (Michie, 2005: 345). صرف‌نظر از علت اجرای موقت، استفاده از این نهاد موجب می‌شود که امضاکنندگان معاهده پیش از تصویب آن، مزیت‌های معاهده را بیازمایند و در صورت مفیدبودن آن را تصویب کنند. اضافه بر این، اجرای موقت به طور تأثیرگذاری مانع از تضعیف اصولی می‌شود که به‌سختی در خصوص آن توافق شده است (رجبی و ترازوی، ۱۳۹۴: ۲۰۰).

برای زمان شروع اجرای موقت می‌توان دو حالت را در نظر گرفت: اول) در متن معاهده بند یا شرطی در خصوص اجرای موقت وجود داشته باشد که در این صورت اجرای موقت از زمان

1. Provisional Application.

امضای معاهده، الزام آور است؛ دوم) اگر اجرای موقت در معاهده ذکر نشده باشد، تعهد دولت‌ها زمانی ایجاد می‌شود که از اجرای موقت حمایت کنند (Aust, 2000: 130). با توجه به موارد مذکور و مضمون ماده ۲۵ کنوانسیون حقوق معاهدات وین ۱۹۶۹، ماهیت حقوقی اجرای موقت مبتنی بر توافق است که ممکن است در خود معاهده ذکر شده باشد یا طرفین به شیوه دیگری بر این امر تراضی کرده باشند. پذیرش این دیدگاه که اجرای موقت ناشی از رضایت متقابل دولت‌هاست، نقش تعیین‌کننده‌ای در تعیین آثار حقوقی این عمل دارد. بنا بر اصل عام «وفای به عهد»^۱، اجرای موقت الزام آور است که این امر در کنفرانس وین از سوی کمیسیون حقوق بین‌الملل تأیید شده است (الهویی‌نظری و پورکریم، ۱۳۹۳: ۱۰۶-۱۰۷). در رویه داوری نیز بر الزام آور بودن اجرای موقت تأکید شده است. برای مثال، در دعوای «کارداسوپولوس علیه گرجستان» دیوان داوری اکسید اذعان داشت که اجرای موقت، حقوق و تعهدات کاملی بر دولت امضاکننده بار می‌کند (Iiabbzs Kardassopoulos, 2007: Para 220). همچنین در پرونده یوکاس که محور اصلی نوشتار حاضر است، بر لزوم اجرای موقت از سوی امضاکنندگان معاهده تأکید شده است که در ادامه، این رأی به طور مفصل تجزیه و تحلیل خواهد شد.

با توجه به تمام موارد مذکور کشوری که معاهده را به صورت موقت اجرا می‌کند، از لحاظ تعهداتی که در دوره اجرا بر او بار می‌شود، هیچ‌گونه تفاوتی با کشور متعاقد ندارد و هر تعهدی را که بر این اساس پذیرفته است باید به طور کامل اجرا کند؛ در غیر این صورت از نظر بین‌المللی مسئول شناخته می‌شود. اصل اجرای موقت در ماده ۲۵ کنوانسیون حقوق معاهدات ذکر شده، قلمرو، حدود و ثغور آن مشخص نشده است، در صورتی که اگر این چارچوب در معاهده‌ای که به صورت موقت اجرا می‌شود به طور دقیق تصریح نشود، سبب بروز ابهاماتی در عرصه بین‌المللی خواهد شد.

۲. اجرای موقت در معاهده منشور انرژی

ماده ۴۵ معاهده منشور انرژی به اجرای موقت معاهده اختصاص دارد. مطابق بند ۱ ماده ۲۵ کنوانسیون حقوق معاهدات وین ۱۹۶۹، از آنجا که اجرای موقت در معاهده ذکر شده برای امضاکنندگان معاهده الزام آور است، اما این معاهده همانند کنوانسیون حقوق معاهدات، تنها اصل اجرای موقت را مطرح کرده و به طور دقیق به قلمرو اعمال آن نپرداخته است. این امر موجب بروز سردرگمی و در پی آن، طرح دعوای مختلف از جمله دعوای پرونده یوکاس در عرصه بین‌المللی شده است.

1. Pacta Sunt Servanda.

براساس بند ۱ ماده ۴۵ «هر امضاکننده متعهد می‌شود این معاهده را تا لازم‌الاجرا شدن آن برای چنین امضاکننده‌ای طبق ماده ۴۴ به طور موقت اجرا کند. تا آنجا که این اجرای موقت مغایر با قانون اساسی، قوانین و مقررات آن نباشد» (طارم‌سری و هاشمیان، ۱۳۸۴: ۶۲).

این بند تاحدودی مبهم است. برای تفسیر براساس ماده ۳۱ کنوانسیون حقوق معاهدات وین ۱۹۶۹ باید به معنای متعارف عبارات، در چارچوب سیاق و در پرتو موضوع و هدف معاهده توجه شود و علاوه بر این، باید بر پایه حسن‌نیت صورت گیرد (Vienna Convention on the Law of Treaties, 1996: Article 31). با در نظر گرفتن این موارد، در تفسیر این بند می‌توان به وجود دو رویکرد قائل بود. رویکرد نخست، صرفاً به تعارض نداشتن اصل اجرای موقت با قانون اساسی، قوانین یا مقررات دولت میزبان سرمایه توجه دارد و دیدگاهی مضیق را در پی گرفته است، اما رویکرد دوم با نگاهی موسع، به پذیرش نهاد اجرای موقت در شرایطی تمایل دارد که علاوه بر اصل اجرای موقت، هیچ‌یک از مقررات معاهده نیز با قانون اساسی، قوانین و مقررات دولت میزبان در تعارض نباشد (Laidlaw, 2012: 662).

همچنین در بند ۲ این ماده آمده است که:

«الف) قطع نظر از بند ۱ هر امضاکننده‌ای می‌تواند در زمان امضا، اعلامیه‌ای را مبنی بر اینکه قادر به قبول اجرای موقت نیست، به امین تسلیم نماید. تعهد مندرج در بند ۱ در مورد امضاکننده‌ای که چنین اعلامیه‌ای را تسلیم می‌نماید، قابل اعمال نخواهد بود. این چنین امضاکننده‌ای می‌تواند با صدور اطلاعیه‌ای کتبی خطاب به امین در هر زمانی این اعلامیه را مسترد دارد.

ب) امضاکننده‌ای که چنین اعلامیه‌ای را طبق شق الف بند ۲ ماده ۴۵ ارائه می‌دهد و نیز سرمایه‌گذاران متبوع آن امضاکننده، می‌توانند در مورد منافع اجرای موقت براساس بند ۱ ادعایی داشته باشند.

ج) قطع نظر از جزو الف)، امضاکننده‌ای که اعلامیه مذکور در جزو الف) را ارائه می‌دهد، بخش ۷ را به طور موقت تا لازم‌الاجرا شدن این معاهده برای این امضاکننده بر طبق ماده ۴۴، اجرا خواهد کرد، تا آنجا که این اجرای موقت مغایر با قوانین یا مقررات آن نباشد» (طارم‌سری و هاشمیان، ۱۳۸۴: ۶۲).

رویکرد بند ۲ ماده ۴۵ با بند ۱ کاملاً متفاوت است، زیرا مطابق با بند ۲ هر امضاکننده‌ای می‌تواند به هر دلیلی اعم از سیاسی، اقتصادی و ... معاهده را اجرا نکند، اما این عدم اجرا حتماً باید با صدور اعلامیه همراه باشد. این در حالی است که بند ۱ تنها بر مواردی که بین اجرای موقت و قانون دولت میزبان تعارض وجود داشته باشد حاکم است و صدور اعلامیه نیز به‌صراحت ذکر نشده است (Gazzini, 2010: 5).

شاید بتوان با دیدگاهی بینابین این‌طور برداشت کرد که اهمیت به‌رسمیت‌شناختن قانون

دولت‌ها به حدی است که در صورت مغایرت، به صدور اعلامیه الزامی نیست و مقررات مغایر با قوانین داخلی خود به خود ملغی خواهد شد. این امر از نظر اصول بنیادین تفسیر نیز تأیید می‌شود، زیرا معاهده هنوز لازم‌الاجرا نشده است، اما قوانین داخلی از قدرت قاعده حقوقی الزام آور برخوردارند. در تعارض بین متن غیرالزام‌آور (معاهده قبل از تصویب نهایی) و لازم‌الاجرا (قانون داخلی) منطقی‌اً باید متن اخیر را مقدم دانست و ملاک عمل قرارداد، اما در سایر موارد با توجه به نزاکت بین‌المللی، وجود اعلامیه‌ای با ذکر دلیل اجرانکردن معاهده‌ای که پیش‌تر امضا شده است، ضروری است.

حتی اگر امضاکنندگان معاهده اجرای موقت را پذیرفته باشند، در بند ۳ ماده ۴۵ حق خاتمه‌دادن به اجرای موقت به آن‌ها داده شده است، اما با وجود شناسایی این حق، تعهدات مربوط به تشویق و حمایت از سرمایه‌گذاری و روش‌های حل‌وفصل اختلافات به مدت ۲۰ سال از تاریخ خاتمه برای سرمایه‌گذاری‌هایی که تا قبل از این تاریخ صورت گرفته است، وجود خواهد داشت. مطابق بند ۳ ماده ۴۵:

«الف) هر امضاکننده‌ای می‌تواند اجرای موقت این معاهده را با صدور اعلامیه‌ای کتبی خطاب به امین درمورد قصد خود دایر بر اینکه به صورت طرف متعاقد این معاهده درنیامده، خاتمه بخشد. خاتمه‌دادن به اجرای موقت برای هر امضاکننده، با انقضای ۶۰ روز از تاریخ دریافت اطلاعیه کتبی این امضاکننده توسط امین، به مورد اجرا گذاشته خواهد شد.

ب) مع‌هذا در صورتی که یک امضاکننده اجرای موقت را براساس جزو (الف) خاتمه بخشد، تعهد امضاکننده براساس بند ۱ درمورد اعمال بخش‌های ۳ و ۵ درخصوص هرگونه سرمایه‌گذاری انجام‌شده توسط سرمایه‌گذاران {تابع} سایر امضاکنندگان در قلمروش طی مدت این اجرای موقت، درمورد آن سرمایه‌گذاری‌ها برای مدت بیست سال پس از تاریخ مؤثر خاتمه‌یافتن اجرای موقت به قوت خود باقی خواهد ماند، به جز در مواردی که به گونه دیگری در شق (ج) مقرر شده باشد» (طارم‌سری و هاشمیان، ۱۳۸۴: ۶۳).

ماده ۴۵ از دسامبر ۱۹۹۴ تا آوریل ۱۹۹۸ که معاهده لازم‌الاجرا شده است، اجرای موقت را بر تمام امضاکنندگان معاهده الزامی دانسته است، مگر اینکه دولت امضاکننده عدم اجرای موقت را به صراحت اعلام کند. از زمان لازم‌الاجرا شدن معاهده، ماده ۴۵ بر کشورهایی که هنوز معاهده را تصویب نکرده‌اند، اعمال می‌شود. روسیه از جمله کشورهایی است که معاهده را امضا کرده است، اما تصویب نکرده بود.

در ادامه، ابتدا توضیح مختصری درخصوص رأی یوکاس علیه روسیه داده می‌شود، سپس به بررسی تصمیم دیوان در این مورد و رأی دادگاه لاهه پرداخته خواهد شد.

بررسی تأثیر اجرای موقت در صلاحیت دیوان داوری در پرونده

یوکاس

یوکاس^۱ شرکت نفت و گاز روس بود که در سال ۱۹۹۳، بعد از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی به دستور ریاست جمهوری و به منظور سرعت بخشیدن به توسعه صنعت نفت و گاز کشور مذکور در قالب شرکت سهامی تأسیس و در سال ۱۹۹۵ خصوصی شد. یک گروه سرمایه‌گذاری به نام مناتپ و به مدیریت خودروکوسکی^۲ و لییدیو^۳ که از اتباع روسیه بودند، مالکیت ۵۱ درصد از سهام این شرکت را به دست آوردند. این شرکت در حوزه اکتشاف، بهره‌برداری، تولید، پالایش و توزیع نفت خام، فرآورده‌های پتروشیمی و گاز طبیعی فعالیت داشت. در سال ۲۰۰۲ شرکت یوکاس به منزله بزرگ‌ترین شرکت نفت و گاز روسیه شناخته شد و در آن زمان، یکی از ده شرکت نفت و گاز برتر در سطح دنیا به شمار می‌آمد (Yukos, 2014: Para 71-72). اما در سال ۲۰۰۳ یعنی در اوج شکوفایی این شرکت، مالیات گزافی از سمت دولت به شرکت تحمیل شد که رفته‌رفته آن را در معرض ورشکستگی قرار داد و در نهایت در سال ۲۰۰۷ ورشکسته اعلام و اموال و دارایی‌های آن به شرکت دولتی روس نفت واگذار شد.

در ۲ نوامبر ۲۰۰۴ سه سهامدار اصلی^۴ شرکت یوکاس یعنی شرکت‌های هولی^۵، وی پی ال^۶ و یوکاس^۷ طی نامه‌ای به رئیس‌جمهور روسیه، ادعای خود مبنی بر نقض تعهدات ناشی از معاهده منشور انرژی از سوی دولت روسیه را اعلام کردند.

سهامداران اصلی یوکاس درصدد حل اختلاف به روش دوستانه^۸ و براساس بند ۱ ماده ۲۶ این معاهده برآمدند، اما با گذشت ۳ ماه و رفع نشدن اختلاف، با استناد به شق ب بند ۴ ماده مذکور، در فوریه ۲۰۰۵، ادعای خود را نزد دیوان دائمی داوری^۹ مطرح کردند و قانون حاکم بر داوری را قواعد داوری کمیسیون حقوق تجارت بین‌المللی سازمان ملل متحد (انسیترال)^{۱۰} قرار دادند (Yukos, 2009: Para 1, 3, 4).

نکته‌ای که در خصوص این پرونده بسیار حائز اهمیت است، مدت زمان رسیدگی و مبلغ خسارت است که آن را به رأی منحصربه‌فرد در عرصه حقوق بین‌الملل بدل کرده است. این رأی از نظر میزان خسارت، بزرگ‌ترین رأی طی تاریخ است که رسیدگی به آن نیز حدود یک

1. OAO Yukos oil company (Yukos).
2. Mikhail Khodorkovsky.
3. Lebedev.
4. Controlling Shareholders.
5. Hulley Enterprise Limited.
6. Vetran Petroleum Limited.
7. Yukas Universal Limited.
8. Amicable Settlement.
9. Permanent Court of Arbitration.
10. UNCITRAL Rules.

دهه به طول انجامیده است. در مرحله اول، بین سال ۲۰۰۵ تا ۲۰۰۹، دیوان به بررسی ایرادات شکلی و احراز صلاحیت خود پرداخته است. رأی اولیه مبنی بر صلاحیت دیوان در ۳۰ نوامبر ۲۰۰۹ صادر شده و پس از آن دیوان به بررسی ماهوی دعوی پرداخته است. رأی نهایی نیز مورخ ۱۸ جولای ۲۰۱۴ صادر و روسیه محکوم به پرداخت خسارتی بالغ بر ۵۰ میلیارد دلار امریکا به خواهان‌های دعوی -سه شرکت یوکاس، هولی، وی پی ال- شد (این سه سهامدار به صورت جداگانه در دیوان داوری دائمی لاهه طرح دعوی کردند و دیوان به بررسی جداگانه هریک پرداخته و رأی صادر کرده است، اما به دلیل مشابه بودن دعاوی، رأی نهایی صادر شده در هر سه مورد یکسان است).

در این پرونده، نخستین قدم دولت روسیه در مقام دفاع از خود مطرح کردن عدم صلاحیت دیوان رسیدگی کننده بر پایه بند ۱ ماده ۴۵ معاهده منشور انرژی است. در واقع، روسیه مدعی بود که تصویب نکردن معاهده از سوی این کشور و نپذیرفتن ارجاع دعاوی حاکمیتی به مراجع داوری مطابق قانون این کشور، براساس بند ۱ ماده ۴۵ معاهده منشور انرژی، زمینه ساز عدم صلاحیت دیوان دائمی داوری است.

۱. الزام روسیه به اجرای موقت معاهده منشور انرژی

برای پاسخ به این مسئله که آیا روسیه به اجرای موقت معاهده ملزم بوده است یا خیر؟ دیوان در سه مرحله، این مسئله را بررسی و تجزیه و تحلیل کرده است که به شرح زیر است. در ابتدا باید متذکر شویم که طرفین بر چند مسئله اتفاق نظر داشتند: اولاً، روسیه در ۱۷ دسامبر ۱۹۹۴ معاهده را امضا کرده است، اما هیچ‌گاه آن را تصویب نکرده است. ثانیاً، روسیه سایر امضاکنندگان معاهده را در ۲۰ آگوست ۲۰۰۹ از قصد خود مبنی بر عدم تصویب معاهده و خروج از آن مطلع کرده و در ۱۸ اکتبر ۲۰۰۹ عملاً اجرای موقت خاتمه یافته است. ثالثاً، روسیه براساس جزو ب بند ۳ ماده ۴۵ نسبت به سرمایه‌گذاری‌هایی که تا قبل از ۱۸ اکتبر ۲۰۰۹ صورت گرفته است به اجرای موقت بخش‌های ۳ و ۵ ملزم است که مربوط به حمایت و تشویق سرمایه‌گذاری است و این الزام تا ۱۸ اکتبر ۲۰۲۹ ادامه خواهد داشت (Yukos, 2007: Para 297).

دیوان، تجزیه و تحلیل خود را با بررسی این امر که آیا اعلامیه مذکور در بند ۲ ماده ۴۵ برای استفاده از مزایای بند ۱ این ماده نیز الزامی است یا خیر؟ آغاز می‌کند.

۱.۱. صدور اطلاعیه مذکور در بند ۲ ماده ۴۵ برای استفاده از مزایای بند ۱

تصمیم دیوان در این قسمت با ادعای خواننده موافق است. خواننده مدعی است که با توجه به

متن ماده، عدم صدور اطلاعیه مبتنی بر بند ۲، دلیل بر نبود تناقض قانون داخلی با اجرای موقت معاهده نیست، اما خواهان مدعی است که براساس معنی ساده ماده، بند ۱ اصل اجرای موقت را بیان می‌کند، در حالی که بند ۲ به اصول شکلی حاکم بر عدم اجرای موقت توجه دارد (Yukos, 2007: Para 250-252). دیوان این استدلال خواهان را نپذیرفت و بر این نظر است که بندهای ۱ و ۲ ماده ۴۵، دو نظام مختلف برای اجرای موقت را بیان می‌کنند که قلمرو بند ۱ تنها در خصوص تعارض میان قانون داخلی کشور و اجرای موقت است و احتیاجی به صدور اطلاعیه نیست، این در حالی است که بند ۲ مربوط به زمانی می‌شود که کشور به دلایل سیاسی یا هر دلیل دیگر نمی‌خواهد معاهده را به صورت موقت اجرا و باید اطلاعیه‌ای صریح در این خصوص صادر کند (Yukos, 2007: Para 262). دیوان همچنین بیان می‌کند که شرط محدودکننده موجود در بند ۱، با عبارت «تا حدی که»^۱ آغاز می‌شود و در هیچ جای آن نشانی از مرتبط بودن بندهای ۱ و ۲ دیده نمی‌شود و همان‌طور که خواننده بیان کرده است در متن بند ۲ از واژه «می‌تواند»^۲ استفاده شده است و نه واژه «باید»^۳ که این امر اختیاری بودن اطلاعیه را نشان می‌دهد. علاوه بر این، استفاده از واژه «قطع نظر از»^۴ بیانگر این امر است که اطلاعیه، صرف نظر از تناقض قوانین کشور با معاهده می‌تواند صادر شود و ملازمه‌ای با آن ندارد (Yukos, 2007: Para 262).

دیوان با توجه به ماده ۳۱ کنوانسیون حقوق معاهدات وین که تفسیر را مبتنی بر معنای ساده می‌داند، ماده ۴۵ را تفسیر و تصمیم‌گیری کرده است. اگرچه هر دو طرف در تفسیر خود به این ماده استناد کرده بودند، اما دیوان دلیل خواننده را با توجه به هدف و موضوع معاهده منطقی‌تر یافت. علاوه بر این، ۶ کشوری^۵ که به بند ۱ ماده ۴۵ استناد کرده بودند هیچ‌گونه اطلاعیه‌ای مبنی بر بند ۲ صادر نکردند (Yukos, 2007: Para 265). همچنین در رأی اخیر اکسید در پرونده کارداسوپولوس، بر جدابودن نظام حاکم بر بندهای ۱ و ۲ تأکید شده است، طبق این رأی:

«هیچ ارتباط خاصی بین بند ۱ و ۲ ماده ۴۵ وجود ندارد. اطلاعیه مذکور در بند ۲ برای مواردی که قانون داخلی با اجرای موقت تناقض دارد، لازم نیست و این اطلاعیه زمانی که کشور به دلایل دیگری معاهده را اجرا نمی‌کند لازم است. بر این اساس کشوری که به تناقض بین قانون داخلی با اجرای موقت استناد می‌کند، نیازی به صدور اطلاعیه براساس بند ۲ ندارد، بنابراین دیوان نمی‌تواند در موردی که کشور اطلاعیه صادر نکرده است این امر

1. To the extent that.
2. May.
3. Shall.
4. Notwithstanding.

۵. استرالیا، لوکزامبورگ، ایتالیا، رومانی، پرتغال و ترکیه.

را دلیلی بر عدم تناقض بین قانون داخلی و اجرای موقت بدانند» (Liabbs Kardassopoulos, 2007: Para 228).

دلایل دیوان در پرونده یوکاس به نظر کاملاً منطقی است، زیرا ارتباطی بین بندهای ۱ و ۲ ماده وجود ندارد. بند ۱ بر مواردی حاکم است که بین قانون داخلی کشور و اجرای موقت تعارض وجود داشته باشد. این در حالی است که بند ۲ تمام مواردی که کشور به هر دلیلی اجرای موقت را مناسب نداند، اعمال می‌شود و اطلاعیه مذکور در این بند شامل بند ۱ نمی‌شود.

قدم بعدی دیوان به منظور حل و فصل اختلاف حاضر، بررسی این امر است که آیا برای استفاده از مزایای بند ۱ ماده ۴۵ مطلع کردن سایر دولت‌های امضاکننده لازم است یا خیر؟

۱.۲. صدور اعلامیه براساس بند ۱ ماده ۴۵

خواهان و خواننده درخصوص اینکه خواننده سایر کشورها را از تصمیم خود مطلع و اطلاعیه‌ای مبنی بر این امر صادر نکرده است اتفاق نظر دارند. در این مرحله، خواننده مدعی است که صدور اطلاعیه لازم نیست و به کشورهایی که شرط محدودکننده بند ۱ را بدون صدور اطلاعیه و مطلع کردن سایرین، به صورت رسمی استناد کرده‌اند، اشاره می‌کند.^۱ در پاسخ، خواهان استدلال می‌کند که براساس اصول اساسی حقوق بین‌الملل، از جمله اصل «شفافیت»^۲ و «عمل متقابل»^۳ باید به صورت رسمی قصد خود مبنی بر اجرانکردن موقت را به سایر کشورها اعلام دارد. علاوه بر این، روسیه نه تنها قصد خود مبنی بر اجرانکردن موقت را اعلام نکرده است، بلکه طی مذاکرات معاهده، یکی از طرفداران اجرای موقت بوده است و براساس قاعده استاپل^۴، باید مسئول شناخته شود (Yukos, 2007: Para 261-271).

دیوان درخصوص استناد خواهان به قاعده استاپل اذعان می‌دارد که مذاکره با متنی که اعتبار قانونی دارد متفاوت است. هرچند در روند مذاکرات بر اصل شفافیت قوانین و مقررات تأکید زیادی شده و تلاش بسیاری به منظور شفاف‌سازی تناقضات موجود میان قانون داخلی کشورها و اجرای موقت صورت گرفته است، اما در پایان مذاکرات، صدور اطلاعیه یا اعلام رسمی مبنی بر احراز تعارض موضوع بند ۱ ماده ۴۵ به منزله ضمانت اجرای استفاده از مزایای این بند در نظر گرفته نشده و در نتیجه اصل شفافیت درخصوص این بند کارساز نبوده است

۱. لوکزامبورگ، فنلاند، آلمان و فرانسه (البته این امر تنها درخصوص لوکزامبورگ قابل اثبات است و درخصوص سه کشور دیگر هیچ‌گونه مدرکی ارائه نشده است).

2. Transparency (Article 20 of ECT).

3. Reciprocity.

4. Estoppel.

(Yukos, 2007: Para 282). همچنین دیوان استناد خوانده به رأی فلات قاره دریای شمال^۱ که از سوی دیوان بین‌المللی دادگستری صادر شده است را در خصوص این مسئله حائز اهمیت دانست. براساس این رأی، تنها پذیرش واضح، صریح و مستند، مشمول قاعده استاپل می‌شود. با استفاده از این قاعده، ادعای خواهان مورد قبول نیست، زیرا مدرکی در این مورد وجود ندارد (Yukos, 2007: Para 287).

دیوان با استناد به ماده ۳۱ و ۳۲ کنوانسیون حقوق معاهدات وین ۱۹۶۹، اذعان داشت که متن ماده صریح و واضح است و هیچ‌گونه ابهامی در آن وجود ندارد و بر این اساس، مطابق بند ۱ صدور اطلاعیه در متن ماده ذکر نشده و الزامی نیست. همچنین مرجع رسیدگی‌کننده، در خصوص استناد خواهان به قاعده استاپل، نظر خوانده را متقاعدکننده دانست و اعلام کرد که حتی اگر پذیرش اجرای موقت از سوی روسیه طی مذاکرات در چارچوب قاعده استاپل بگنجد، چون این پذیرش واضح و مستند نیست، با استفاده از مزایای بند ۱ ماده ۴۵ که هیچ شرطی برای بهره‌مندی از آن ذکر نشده است، تعارض ندارد (Yukos, 2007: Para 286-287).

تصمیم دیوان اگرچه بر پایه اصول کلی حقوق بین‌الملل، اصول تفسیر معاهدات (مواد ۳۱ و ۳۲ کنوانسیون حقوق معاهدات وین) و رویه داوری موجود صحیح است، اما در ماده خلئی وجود دارد که سبب بروز مشکلاتی در عرصه بین‌المللی و روابط فعالان این عرصه می‌شود. با توجه به مفهوم ساده ماده، هیچ‌گونه اطلاعیه‌ای مبنی بر اجرانکردن موقت به دلیل ناسازگاری با قانون داخلی کشور الزامی نیست که با توجه به پیچیدگی سیستم حقوقی هر کشور و دشواری تسلط بر قوانین آن از سوی سایر کشورها و سرمایه‌گذاران، نوعی بی‌اعتمادی و دشواری در درک تعارض یا نبود تعارض و اجرا یا اجرانکردن موقت معاهده به وجود می‌آورد که این امر موجب می‌شود معاهده از موضوع و هدف خود فاصله بگیرد، بنابراین اصلاح این ماده به نظر ضروری می‌آید.

۱.۳. رویکرد معاهده در خصوص نظام حاکم بر اجرای موقت

۱.۳.۱. مکانیزم اجرای موقت براساس بند ۱ ماده ۴۵

سؤالی که دیوان باید در این قسمت در خصوص آن تصمیم می‌گرفت این بود که آیا مکانیزم اجرای موقت براساس بند ۱ ماده ۴۵، اجرای کامل (همه یا هیچ)^۲ است یا اجرای موردی^۳؟ خواننده مدعی است که معاهده با در نظر گرفتن بند ۱ ماده ۴۵، در واقع اولویتی برای قانون اساسی کشور نسبت به اجرای موقت معاهده در نظر گرفته است تا حاکمیت و قوه مقننه کشور

1. North sea Continental shelf.
2. All-or-Nothing.
3. Piecemeal.

زیر سؤال نرود. بر این اساس، هریک از مقررات معاهده که با قوانین کشور در تعارض نباشد قابلیت اجرا دارد. همچنین از نظر معنای لغوی، با توجه به عبارت «تا حدی که»^۱ که در بند ۱ به کار برده شده است، این عبارت در فرهنگ لغت‌های معتبر به معنای «قلمرو»^۲ و «وسعت»^۳ است. بنابراین اجرای موردی معاهده مدنظر بوده است، زیرا اگر نویسندگان قصد داشتند معاهده به صورت «همه یا هیچ» اجرا شود متن بند ۱ را به این صورت می‌نوشتند: معاهده اگر^۴ با قوانین و مقررات داخلی تعارض نداشته باشد به صورت موقت اجرا می‌شود (Yukos, 2007: Para 293-295).

در پاسخ، خواهان چنین استدلال می‌کند که با توجه به متن ماده و معنای ساده کلمات استفاده شده در شرط محدودکننده بند ۱ ماده ۴۵ باید به عبارت «چنین اجرای موقتی»^۵ توجه شود که معنای آن اجرای موقت معاهده به صورت کامل است و تناقض مذکور در ماده ۴۵ باید تنها در خصوص عدم تناقض اصل اجرای موقت با قوانین و مقررات داخلی در نظر گرفته شود و نه تک‌تک مقررات معاهده (Yukos, 2007: Para 295).

دیوان با بررسی تمام استدلال‌ات و ادله طرفین نتیجه گرفت که با در نظر گرفتن معنای ساده عبارت بند ۱ ماده ۴۵ و هدف و موضوع معاهده، روسیه باید رویکرد اجرای موقت به صورت کامل یا همه یا هیچ را بپذیرد. روسیه با امضای معاهده پذیرفته است که کل معاهده را تا زمان لازم‌الاجرا شدن آن به صورت موقت اجرا کند، مگر اینکه اصل اجرای موقت با قوانین و مقررات روسیه در تعارض باشد. این تصمیم به این علت که ماهیت الزام‌آور بودن حقوق بین‌الملل را تقویت می‌کند حائز اهمیت است، زیرا براساس اصل لزوم وفای به عهد، کشورها نباید از قوانین داخلی خود به‌منزله عذری برای عدم اجرای تعهدات بین‌المللی خود استفاده کنند (Yukos, 2007: Para 301-327).

دیوان همچنین بیان کرد که اگر به کشورها اجازه داده شود که تعهدات خود را براساس قانون داخلی شکل دهند و برخی از مواد معاهده را از شمول تعهدات خود خارج کنند، این اصل که اجرای موقت معاهده تعهدات الزام‌آوری ایجاد می‌کند، سست خواهد شد (Yukos, 2007: Para 315).

۱.۳.۲. اجرای موقت در قانون روسیه

طرفین در خصوص اینکه اصل اجرای موقت در قانون روسیه پیش‌بینی شده است اتفاق نظر

1. To the extent that.
2. Scope.
3. width.
4. If.
5. Such Provisional Application.

داشتند (Yukos, 2007: Para 330). براساس بند ۱ ماده ۲۳ قانون فدراسیون درخصوص معاهدات بین‌المللی فدراسیون روسیه:

«معاهدات بین‌المللی یا بخشی از آن می‌تواند قبل از لازم‌الاجرا شدن به صورت موقت توسط روسیه اجرا شود، اگر این امر در معاهده پیش‌بینی شده باشد یا طرفین بر آن توافق کرده باشند» (Federal Law on International Treaties of the Russian Federation, 1995: Article 23).

در بند ۲ این ماده بر تطبیق تصمیم بر اجرای موقت معاهده با رویه موجود در ماده ۱۱ این قانون تأکید شده است.

براساس ماده ۱۱ قانون مذکور، رئیس‌جمهور فدراسیون روسیه صلاحیت مذاکره و امضای معاهدات بین‌المللی را -که نتایج آن بر عهده فدراسیون روسیه است- دارد (Federal Law on International Treaties of the Russian Federation, 1995: Article 11). بنابراین، هیچ‌گونه ابهامی درخصوص اینکه اصل اجرای موقت در قانون روسیه نیز پذیرفته شده است، وجود ندارد.

تنها سؤالی که باقی می‌ماند این است که وجود تعارض میان قانون داخلی و اجرای موقت معاهده، به‌منظور استفاده از بند ۱ ماده ۴۵ در چه زمانی باید بررسی شود؟

خواننده مدعی است که براساس متن ماده هیچ‌گونه محدودیتی برای بررسی این امر وجود ندارد، اما دیوان با نظر خواهان موافق است که تعارض بین قانون داخلی و اجرای موقت معاهده باید در زمان امضای معاهده بررسی شود (Yukos, 2007: Para 241-244).

مطابق ماده ۳۱ کنوانسیون حقوق معاهدات وین، تفسیر معاهدات باید بر پایه حسن‌نیت و با توجه به معنای ساده عبارت باشد، بنابراین هرگونه تفسیر دیگری به کشورهای این اجازه را می‌دهد که بعد از امضای معاهده قوانین خود را تغییر دهند و از تعهدات سر باز زنند.

۱.۳.۳. حل و فصل اختلافات سرمایه‌گذاری در قوانین روسیه

تا اینجا دیوان به این نتیجه رسید که مکانیزم بندهای ۱ و ۲ ماده ۴۵ متفاوت است. کشورهای امضاکننده معاهده بدون صدور اطلاعیه و مطلع کردن سایرین می‌توانند از سه شرط محدودکننده بند ۱ استفاده کنند. همچنین، درخصوص اصل اجرای موقت رویکرد اجرای کامل (همه یا هیچ) را پذیرفت و اعلان داشت که این اصل با قانون روسیه تعارضی ندارد. با تمام این تفاسیر در این قسمت دیوان بدون در نظر گرفتن این استدلال‌ات این امر را که آیا ماده ۲۶ با قانون روسیه متناقض است یا خیر؟ بررسی می‌کند.

الف) بررسی ماده ۲۶ معاهده منشور انرژی (قواعد حل و فصل اختلاف میان سرمایه‌گذار خارجی و دولت).

یکی از مسائل بسیار مهم در حوزه سرمایه‌گذاری، شیوه حل و فصل اختلاف است. معاهده منشور انرژی در این زمینه بسیار مبتکرانه عمل و در یک معاهده چندجانبه، حق اقامه دعوی مستقیم سرمایه‌گذار خارجی علیه دولت میزبان را پیش‌بینی کرده است. این امر علاوه بر اینکه نوعی تضمین حقوقی سریع و مناسب برای طرح دعوی و جبران خسارت برای سرمایه‌گذار خارجی محسوب می‌شود، مشکلات توسل به حمایت دیپلماتیک را نیز از میان برمی‌دارد (مردانی و بهمنی بهلولی، ۱۳۹۳: ۲۴۳).

ماده ۲۶ روش‌های گوناگون برای حل اختلاف میان سرمایه‌گذار و دولت را مطرح می‌کند، اما باید توجه داشت که قلمرو اعمال این ماده در پرتو دو امر محدود شده است. اولاً، ماده ۲۶ تنها ناظر بر امکان اقدام حقوقی سرمایه‌گذار خارجی علیه دولت میزبان است و درخصوص امکان اقدام دولت علیه سرمایه‌گذار با استناد به این ماده، ساکت است. اما این سکوت را نباید به معنای محدودیت مطلق دول در طرح دعوی علیه سرمایه‌گذار خارجی دانست، زیرا در فرض طرح دعوی از سوی سرمایه‌گذار خارجی، دولت می‌تواند در جریان رسیدگی به دعوی، ادعای خود را در قالب دعوی متقابل مطرح کند.

برخی حقوق‌دانان، ناممکن بودن طرح دعوی از سوی دولت را غیرمنطقی می‌دانند، زیرا در ماده طرح دعوی متقابل از سوی دولت پیش‌بینی شده است که خصوصیت متفاوتی ندارد و فقدان چنین امکانی تبعاتی منفی در پی خواهد داشت. برای مثال، دولت برای حل اختلاف به محاکم داخلی خود متوسل می‌شود که این امر برای سرمایه‌گذار خارجی ریسک بالایی دارد و خوشایند او نیست (صادقی و غفاری‌فارسانی، ۱۳۸۸: ۳۸۴).

ثانیاً، مکانیزم حل اختلاف موجود در ماده ۲۶ تنها درخصوص نقص تعهدات بخش سوم معاهده قابل استناد است. تعهدات بخش سوم شامل تعهدات مربوط به تشویق و حمایت از سرمایه‌گذاری، رعایت استانداردهای رفتاری، مصادره، ملی کردن، جبران خسارات، انتقالات مربوط به سرمایه‌گذاری، اختلافات راجع به کارکنان کلیدی و جانشینی است و قابل تعمیم به سایر دعاوی نیست.

نکته دیگر در اعمال طرق حل و فصل پیش‌بینی‌شده در ماده ۲۶، رعایت ترتیب در سلسله‌مراتب مذکور در این ماده است. روش‌های حل اختلاف مندرج در ماده ۲۶ باید به ترتیب به کار گرفته شوند که در نخستین مرحله باید به روش‌های دوستانه توسل شود.^۱ براساس بند ۱ ماده ۲۶، طرفین دعوی ابتدا باید اختلاف را از طریق دوستانه حل و فصل کنند. حل و فصل دوستانه شامل روش‌هایی چون مذاکره و مشورت مقدماتی است. اگر طرفین نتوانستند طی مدت سه ماه از تاریخ تقاضای هریک از آنان با استفاده از روش حل و فصل دوستانه اختلاف را برطرف کنند، می‌توانند از سایر مکانیزم‌های مندرج در ماده استفاده کنند. البته همان‌طور که

1. Amicable Settlement.

در بالا گفتیم، این روش‌ها بایستی به ترتیب به کار گرفته شوند و سرمایه‌گذار بدون طی مرحله حل‌وفصل دوستانه نمی‌تواند از روش‌های دیگر بهره‌جوید، اما پس از طی سه ماه و نتیجه‌بخش نبودن راه‌حل دوستانه می‌تواند در مرحله دوم به هریک از روش‌های زیر آزادانه متوسل و دولت میزبان نمی‌تواند مانع شود (Hober, 2010: 153-190). در این مرحله و بعد از نافرجام بودن حل‌وفصل دوستانه، براساس بند ۲ ماده ۲۶، خواهان به انتخاب میان حل‌وفصل داخلی یا بین‌المللی اختلاف مختار است. این بند بیان می‌دارد که سرمایه‌گذار خارجی می‌تواند یکی از راه‌های ذیل را به منظور حل اختلاف برگزیند:

الف) مراجعه به دادگاه‌ها یا محاکم اداری کشور طرف اختلاف؛^۱

ب) استفاده از راه‌حل مورد توافق طرفین^۲ (برای مثال راه‌حل پیش‌بینی‌شده در معاهده دوجانبه سرمایه‌گذاری)؛

ج) مراجعه به داوری بین‌المللی یا سازش.^۳

درخصوص بند اخیر شایان یادآوری است که بین سازش و داوری تفاوت‌هایی وجود دارد؛ از جمله اینکه رأی صادره از سوی داور همانند رأی قضایی، لازم‌الاتباع است، در حالی که تبعیت طرفین از تصمیم سازش‌گر کاملاً اختیاری است و تنها در صورت توافق طرفین بر الزامی بودن آن لازم‌الاجرا می‌شود. به بیان دیگر، می‌توان گفت الزام‌آور بودن رأی داوری خصیصه قضایی دارد، اما الزام‌آور بودن تصمیم سازشگر ناشی از قرارداد طرفین و اصل حاکمیت اراده است و ماهیت غیرقضایی دارد (جنیدی، ۱۳۹۲: ۲۴-۲۶ و ۳۰-۳۳).

مطابق با شق الف بند ۳ ماده ۲۶ معاهده، «هر دولت عضو، موافقت بدون قید و شرط خود را جهت ارجاع اختلاف به داوری بین‌المللی اعلام می‌کند» (طارم‌سری و هاشمیان، ۱۳۸۴: ۴۳). یعنی در صورتی که دولتی طی مهلت متعارف قبول نکردن خود را اعلام نکند، به معنای پذیرش تمام مقررات داوری است و سرمایه‌گذار می‌تواند به داوری بین‌المللی مراجعه کند (صحرانورد، ۱۳۹۳: ۲۰۹). به بیان دیگر، می‌توان گفت این رضایت بی‌قید و شرط به داوری نوعی ایجاب است که از سوی سرمایه‌گذار خارجی پذیرفته می‌شود.

براساس بند ۴ ماده ۲۶ معاهده، سرمایه‌گذار خارجی از میان سه مرجع مختلف داوری بین‌المللی حق انتخاب دارد که به شرح زیر است:

«الف) مرکز بین‌المللی حل‌وفصل اختلافات سرمایه‌گذاری واشنگتن مصوب ۱۹۶۵ به‌وسیله کنوانسیون ایکس‌سید.^۴ این مرکز در صورتی که دولت میزبان و دولت متبوع سرمایه‌گذار، هر دو عضو ایکس‌سید باشند صلاحیت رسیدگی دارد؛ حال اگر یکی از آن‌ها

1. Domestic Courts or Administrative Tribunals.

2. Agreed Dispute Settlement.

3. International Arbitration or Conciliation.

4. International Center for the Settlement of Investment Dispute (ICSID).

عضو ایکسید نباشد، سرمایه‌گذار خارجی می‌تواند به قواعد تسهیلی اضافی رسیدگی اداری که توسط دبیرخانه ایکسید اعمال می‌شود، مراجعه کند.^۱

(ب) مراجعه به یک داور یا یک نهاد داوری^۲ توافقی براساس قواعد داوری آنسترال^۳؛

(ج) جریان داوری زیر نظر مؤسسه داوری اتاق بازرگانی استکهلم^۴ (طارم‌سری و هاشمیان، ۱۳۸۴: ۴۳).

همان‌طور که پیش‌تر بیان شد، در پرونده یوکاس خواهان بعد از گذشت ۳ ماه و حل‌نکردن اختلاف به روش دوستانه روش داوری را برگزیده است، اما خوانده ارجاع دعاوی به داوری را خلاف قانون روسیه می‌داند و در این خصوص اذعان می‌دارد که قانون اساسی روسیه بر پایه اصل تفکیک قوا و حاکمیت قانون استوار است. هریک از قوا به تنهایی و بدون وابستگی به سایر قوا، ایفای نقش می‌کنند و هیچ قوه‌ای حق دخالت در امور سایر قوا را ندارد. قانون اساسی روسیه حق ویژه‌ای برای مجلس نمایندگان فدرال روسیه در روند تصویب معاهدات و تبدیل آن به قانون در نظر گرفته است و مانع دخالت دولت در امر قانون‌گذاری از طریق پیوستن و اجرای معاهدات و اصلاح و تغییر قوانین داخلی شده است. این لزوم تصویب، تجلی جدایی قوای سه‌گانه است که در ماده ۱۰ قانون اساسی روسیه مطرح و در ماده ۱۵ قانون فدرال روسیه در خصوص معاهدات بین‌المللی روسیه نیز منعکس شده است. براساس بند ۱ ماده ۱۵، تمام معاهداتی که قوانین موجود را اصلاح می‌کند یا موجب پذیرش قوانین جدیدی می‌شود که در قانون روسیه وجود ندارد، باید به تصویب قوه مقننه برسد (Yukos, 2007: Para 351-352).

خواننده مدعی است که براساس قانون داوری^۵، قانون مدنی^۶ و قانون مالیات روسیه، دعاوی مربوط به اعمال حاکمیتی (فعل و ترک فعل) و دعاوی حقوق عمومی از جمله ادعای خسارت ناشی از سلب مالکیت، وضع مالیات و شکایت از کارکنان دولت در صلاحیت محاکم داخلی است و قابلیت ارجاع بر داوری ندارد، مگر اینکه به تصویب قوه مقننه رسیده باشد. بنابراین، از آنجا که معاهده منشور انرژی به تصویب مجلس نرسیده و ماده ۲۶ با قوانین این کشور متعارض است، براساس ماده ۱۵ قانون فدرال در خصوص معاهدات بین‌المللی روسیه باید به تصویب مجلس برسد و چون این معاهده تصویب نشده است، دیوان صلاحیت رسیدگی ندارد (Yukos: 2007: Para 353-355).

در پاسخ به این اظهارات، خواهان به «یادداشت توضیحی»^۷ دولت به دوما (مجلس روسیه)

۱. بخش‌های ۱ و ۲ جزو الف بند ۴ ماده ۲۶.

2. Single Arbitrator or Adhoc Tribunal.

3. United Nations Commission on International Trade Law Arbitration Rules.

4. An arbitral proceeding under the Arbitration Institute of the Stockholm Chamber of Commerce.

5. Arbitrazh Procedure Code of the Russian Federation of 14 November 2002, Article 29(2), 248.

6. Civil Procedure Code of the Russian Federation of 14 November 2002, Article 22(1)(3), 22(2).

7. Explanatory Note.

در خصوص معاهده منشور انرژی استناد می‌کند. براساس این یادداشت، قانون روسیه با اجرای موقت معاهده همسوست و تعارضی ندارد (Yukos, 2007: Para 356). خواهان در خصوص پذیرش داوری میان سرمایه‌گذار و دولت در قانون روسیه به ماده ۹ قانون سرمایه‌گذاری خارجی ۱۹۹۱ و ماده ۱۰ قانون سرمایه‌گذاری خارجی ۱۹۹۹ استناد می‌کند و مدعی است که ماده ۲۶ با قانون روسیه سازگار است (Yukos, 2007: Para 256, 257, 267).

براساس ماده ۹ قانون مصوب ۱۹۹۱ «دعاوی بین سرمایه‌گذار خارجی و شرکت‌هایی که سرمایه خارجی دارند با بدنه دولت در صلاحیت دادگاه‌های روسیه است یا اگر طرفین در مورد ارجاع به داوری توافق کرده باشند، در صلاحیت محاکم داوری است» (Russian Federation Law on Foreign Investments, 1991: Article 9).

مطابق ماده ۱۰ قانون سرمایه‌گذاری خارجی مصوب ۱۹۹۹ «قانون سرمایه‌گذاری خارجی ۱۹۹۱، هرگونه دعوی با سرمایه‌گذار خارجی که در ارتباط با سرمایه‌گذاری و فعالیت‌های تجاری او در روسیه باشد باید براساس معاهدات بین‌المللی روسیه و قانون فدرال در دادگاه، محاکم داوری یا داوری بین‌المللی بررسی شود» (Russian Federation Law on Foreign Investments, 1999: Article 10).

دیوان ادعاهای خواهان را تأیید و اذعان کرد براساس مواد استنادی خواهان، ارجاع دعاوی به داوری در قانون روسیه پذیرفته شده است. همچنین، دیوان در خصوص ادعای خوانده مبنی بر زیر سؤال رفتن اصل تفکیک قوا، به ماده ۱۱ قانون فدرال در خصوص معاهدات بین‌المللی فدراسیون روسیه اشاره کرد که مطابق آن رئیس‌جمهور صلاحیت مذاکره و امضای معاهدات بین‌المللی را دارد و اصل اجرای موقت معاهدات براساس ماده ۲۳ این قانون پذیرفته شده است. بنابراین، هیچ‌گونه تعارضی بین قانون روسیه و اجرای موقت معاهده (از جمله ماده ۲۶) وجود ندارد و دیوان صلاحیت رسیدگی به پرونده را دارد (Yukos, 2007: Para 370-383).

۲. دلایل دادگاه منطقه لاهه^۱ در خصوص صلاحیت نداشتن دیوان براساس ماده

۴۵ و ۲۶ معاهده منشور انرژی

دولت روسیه براساس تفاسیر ارائه‌شده و نتیجه حاصله از حل‌وفصل اختلاف در دیوان، رأی داوری را صحیح ندانسته و در دادگاه لاهه، یعنی مقر داوری که دادگاه صالح محسوب می‌شود طرح دعوی کرده است که این امر به ابطال رأی دیوان در ۲۰ آوریل ۲۰۱۶ از سوی دادگاه لاهه منتج شده است. استدلال دادگاه به شرح زیر است:

1. The Hague District Court.

دادگاه با استناد به ماده ۱۰۶۵ قانون آیین دادرسی مدنی^۱ هلند، وجود یک قرارداد معتبر برای ارجاع دعاوی به داوری را ضروری می‌داند و ابراز می‌دارد که برای الزام‌آور بودن قرارداد داوری، رضایت صریح و بدون ابهام کشور میزبان سرمایه لازم است. براساس این استدلال دادگاه، رضایت فرضی کشور میزبان سرمایه قابل قبول نیست همان‌گونه که در پرونده اکوادور علیه چورن^۲ این امر تأیید شده است (The Russian Federation, 2016: Para 8-9).

دادگاه با استناد به ماده ۳۹^۳ و بند ۲ ماده ۴۵ معاهده منشور انرژی، برای لازم‌الاجرا شدن معاهده برای هر کشور تصویب، قبولی یا تأیید را الزامی می‌داند و با توجه به تصویب نشدن معاهده از سوی دوما روسیه، معاهده را برای آن لازم‌الاجرا ندانست (The Russian Federation, 2016: Para 11-13).

دادگاه در خصوص اجرای موقت معاهده نیز طبق ماده ۴۵، نظر دیوان را در خصوص نبود ارتباط میان بندهای ۱ و ۲ این ماده و نیاز نداشتن به صدور اعلامیه پذیرفت، اما در خصوص مکانیزم اجرای موقت و سازگار بودن قوانین روسیه با شرط ارجاع دعاوی به داوری، نظر دیوان را رد کرد (The Russian Federation, 2016: Para 19).

در خصوص مکانیزم اجرای موقت، دادگاه نظر خواننده یعنی رویکرد اجرای موردی را تأیید و اذعان کرد که دیوان عبارت «تا حدی که» را به‌درستی تفسیر نکرده و آن را با واژه «اگر» یکسان دانسته است، این در حالی است که براساس ماده ۳۱ کنوانسیون حقوق معاهدات، تفسیر باید براساس معنای ساده و به‌منظور هدف معاهده صورت گیرد. به نظر دادگاه در تفسیر مزبور، معنای ساده عبارت نادیده انگاشته شده است و به‌منظور هدف معاهده و قصد نگارندگان آن نیست. بنابراین، با توجه به آنچه بیان شد دادگاه با رویکرد اجرای موردی موافق است و تعارض نباشد. این تفسیر مورد پذیرش کشورهای انگلیس، ژاپن، فنلاند و اتحادیه اروپا قرار گرفته است (The Russian Federation, 2016: Para 20-23).

دادگاه در خصوص تعارض نداشتن میان قوانین کشور امضاکننده با مقررات معاهده، نظر دیوان را مبنی بر اینکه تنها پذیرش اصل اجرای موقت در قوانین باید بررسی شود رد کرده

1. Code of Civil Procedure.

2. Chevron Corp. v. Republic of Ecuador, PCA Case No. 2009-23, Cited in The Russian Federation v. Hulley Enterprises Limited & Vetrans Petroleum Limited & Yukos Universal Limited, The Hague District Court, 20 April 2016, Section 3, Para 8-9.

۳. این معاهده در خصوص هر دولت یا سازمان یکپارچه اقتصادی منطقه‌ای که این معاهده را تصویب، قبول یا تأیید می‌کند یا به آن ملحق می‌شود، پس از تودیع سی‌امین سند تصویب، قبولی یا تأیید، در نوزدهمین روز پس از تاریخ تودیع اسناد تصویب، قبولی، تأیید یا الحاق از سوی چندین دولت یا سازمان یکپارچه اقتصادی منطقه‌ای، لازم‌الاجرا خواهد شد.

است. دادگاه در این خصوص عنوان کرد که معاهده از عبارت «قانون اساسی، قوانین و مقررات» استفاده کرده است، بنابراین کل قوانین مدنظر طراحان بوده است و باید تک تک مواد بررسی شود و هیچ گونه تعارضی مشاهده نشود تا کشور را به رعایت مقررات معاهده به صورت کامل ملزم بدانیم (The Russian Federation, 2016: Para 24). دادگاه در زمینه اعمال روش های حل و فصل اختلاف مذکور در ماده ۲۶ معاهده نیز به دو دلیل روسیه را به اجرای ماده مذکور ملزم ندانست. اول آنکه، طراحی این ماده برای حل و فصل اختلافات میان یک طرف متعاقد و یک سرمایه گذار طرف متعاقد دیگر است، در حالی که براساس بند ۲ ماده ۱،^۱ روسیه طرف متعاقد محسوب نمی شود (The Russian Federation, 2016: Para 15). دلیل دوم دادگاه به تعارض شرط ارجاع به داوری با قوانین روسیه مربوط می شود، زیرا در قانون این کشور ارجاع دعاوی عمومی (حاکمیتی) به داوری را ممنوع دانسته است. البته براساس قانون این کشور قوه مقننه می تواند در موارد استثنایی، ارجاع این گونه دعاوی به داوری را به تصویب برساند. برای مثال، در معاهدات دوجانبه شرط ارجاع دعاوی به داوری پیش بینی و به تصویب قوه مقننه رسیده است، اما در پرونده حاضر این امر رخ نداده است (The Russian Federation, 2016: Para 16-18).

دادگاه همچنین اذعان می دارد که طبق ماده ۹۱ قانون اساسی هلند، معاهدات به منظور لازم الاجرا شدن باید به تصویب قوه مقننه برسند، بنابراین وسعت عمل قوه مجریه در اجرای موقت معاهدات با توجه به اولویت قوه مقننه در قانون گذاری محدود است و براساس ماده ۱۵ قانون پادشاهی، پذیرش و تصویب معاهدات، مقررات موجود در معاهده که با قانون کشور یا الزامات پیش بینی شده در آن متعارض باشد در زمان اجرای موقت قابل اجرا نیست و برای لازم الاجرا شدن باید به تصویب دولت برسد (The Russian Federation, 2016: Para 24). دادگاه، هدف نگارندگان معاهده از قراردادن شرط اجرای موقت را عدم تصویب قوانین متناقض با مقررات معاهده از زمان امضا تا تصویب دانست، زیرا بعید می داند که دولتهایی مانند آلمان، ژاپن، انگلیس، فرانسه و روسیه با پذیرش اجرای موقت معاهده به صورت کامل، خدشه دار شدن حاکمیت قانون خود را نادیده گرفته باشند (The Russian Federation, 2016: Para 25).

در پایان این مرجع اذعان کرد که دیوان صلاحیت رسیدگی به پرونده را براساس دلایل مذکور نداشته و فراتر از قلمرو صلاحیت خویش حرکت کرده است و در نتیجه رأی صادره باطل است.

۱. «طرف متعاقد»، عبارت از دولت یا سازمان یکپارچه اقتصادی منطقه ای است که موافقت کرده است ملزم به تعهدات این معاهده شود و معاهده مزبور در خصوص آن لازم الاجرا باشد.

۳. تحلیل رأی داوری یوکاس و رأی دادگاه لاهه

درنهایت و با توجه به نظرهای خواهان و خوانده و آرای صادره از سوی دیوان و دادگاه لاهه، به منظور تحلیل رأی باید بیان کرد که تصمیم دیوان در خصوص اینکه مکانیزم حاکم بر بندهای ۱ و ۲ ماده ۴۵ متفاوت است، درست بوده است و براساس اصول حاکم بر تفسیر معاهدات و متن بند ۱، صدور اعلامیه لازم نیست، اما با توجه به اینکه عدم صدور اعلامیه سبب ایجاد اختلال در نظم عمومی بین‌المللی می‌شود و صدور اعلامیه مبنی بر عدم اجرای معاهده و ذکر دلیل آن، بخشی از نزاکت و به نوعی عرف بین‌المللی است، باید به لزوم اصلاح معاهده و ضرورت صدور آن قائل شد.

در خصوص استدلال اول دادگاه لاهه مبنی بر اینکه روسیه طرف متعاقد محسوب نمی‌شود و در نتیجه ماده ۲۶ برای این کشور قابل اعمال نیست، باید اذعان کرد که طبق بند ۲ ماده ۱ دولت روسیه طرف متعاقد محسوب نمی‌شود، اما براساس بند ۳ ماده ۴۵، حتی در صورتی که امضاکننده به اجرای موقت خود خاتمه بخشد، بخش‌های ۳ (تشویق و حمایت سرمایه‌گذاری) و ۵ (حل و فصل اختلافات) در خصوص سرمایه‌گذاری‌هایی که تا قبل از تاریخ مؤثر خاتمه‌یافتن اجرای موقت صورت گرفته است، به مدت ۲۰ سال ملتزم باقی خواهد ماند و لذا شرط ارجاع دعاوی به داوری تا حدی که با قانون داخلی مغایر نباشد، الزام‌آور است.

در بند ۱ ماده ۴۵، معاهده منشور انرژی امضاکنندگان را به اجرای موقت معاهده تا جایی ملزم می‌داند که با قانون داخلی کشور در تعارض نباشد. بنابراین، در خصوص نظام حاکم بر اجرای موقت، پذیرش اجرای کلی موجب تفکیک حقوق بین‌الملل از حقوق داخلی و عملاً مانع اختلاط قلمرو آن‌ها و جلوگیری از تسلط حقوق داخلی بر حقوق بین‌الملل می‌شود و از سوءاستفاده دولت‌ها از مزایای معاهده و عدم اجرای تعهدات جلوگیری می‌کند، اما نباید در این خصوص راه افراط و تفریط را پیش گرفت، زیرا قوانین داخلی رابطه مستقیمی با حاکمیت کشورها دارند و همان‌طور که پیش‌تر بیان شد نمی‌توان قوانین داخلی را که از قدرت قاعده حقوقی الزام‌آور برخوردارند به موجب معاهده‌ای که تصویب نشده است و الزام‌آور نیست، زیر پا گذاشت (الهویی نظری و پور کریم، ۱۳۹۳: ۱۱۲).

با توجه به اصل تفکیک قوا در قانون روسیه و عدم امکان ارجاع دعاوی حاکمیتی و دعاوی مربوط به حقوق عمومی بدون تصویب قوه مقننه به داوری و لزوم تصویب معاهداتی که با مقررات حاضر مغایر است یا موجب پذیرش قانون جدیدی می‌شود، ماده ۲۶ معاهده منشور انرژی با قوانین روسیه تعارض دارد و بدون تصویب معاهده امکان استناد به آن وجود ندارد، لذا با توجه به اینکه پذیرش اجرای کلی به نقض یک قاعده بنیادین قانون روسیه منجر می‌شود، باید آن را به طور موردی اجرا کرد.

همچنین در خصوص استناد خواهان به قوانین حمایت از سرمایه‌گذاری روسیه، این قوانین

به دلیل حمایتی بودن امره محسوب می‌شوند، اما از آنجا که در این قوانین وجود توافق بر ارجاع به داوری یا یک معاهده لازم‌الاجرا واجب دانسته شده است، نمی‌توان به این قوانین استناد کرد، زیرا روسیه معاهده را امضا کرده، اما آن را به تصویب نرسانده است. بنابراین، بایستی اماره‌ای دال بر پذیرش یا رد مفاد معاهده برای استنباط اراده روسیه در نظر گرفته شود.

با مقدمات ذکرشده به نظر می‌رسد که صرف امضای معاهده از طرف روسیه به معنای پذیرش کلی و قطعی مفاد آن، در امور بین‌المللی این کشور با سایرین نیست و به اعلامیه یا مدرکی قطعی نیاز دارد. همچنین، در متن معاهده به صراحت ذکر شده است که در صورتی که مفاد آن آشکارا با قوانین داخلی کشورها مغایر باشد، دولت‌های امضاکننده به نپذیرفتن آن بخش از معاهده مخیرند، لذا استدلال دیوان مبنی بر اینکه سکوت به معنی پذیرش مفاد معاهده است، قابل خدشه است و از این جهت حکم دادگاه لاهه موجه‌تر به نظر می‌رسد.

در خصوص اجرای رأی داوری باید به این نکته توجه شود که به موجب شق ب از بند ۵ ماده ۲۶ معاهده منشور انرژی، اجرای آرای داوری براساس کنوانسیون نیویورک ناظر بر شناسایی و اجرای آرا خواهد بود. براساس شق ث بند ۱ ماده ۵ کنوانسیون مزبور مرجع صالحی که تقاضای شناسایی و اجرای رأی از آن شده است می‌تواند در صورتی که رأی داوری از سوی مرجع صالح کشوری که در آن یا تحت قانون آن صادر شده است، ابطال یا تعلیق شده باشد، خودداری کند. دیدگاه کلاسیک که هنوز هم غالب است ابطال را واجد اثر فراسرزمینی می‌داند و لذا رأی ابطال شده را در کشورهای دیگر قابل اجرا نمی‌داند. با این وصف، در برخی کشورها و در رأس آن‌ها فرانسه دیدگاه متفاوتی به وجود آمده است که تلاش می‌کنند اثر ابطال را سرزمینی تلقی کنند و ابطال رأی را مانع از اجرای آن در دیگر کشورها ندانند (جنیدی، ۱۳۹۲: ۲۸۶-۲۸۹).

شاید به همین دلیل خواهان در محاکم فرانسه خواهان شناسایی و اجرای رأی داوری شده است و محاکم این کشور با استناد به ماده ۵ کنوانسیون نیویورک و ماده ۱۵۲۰ و ۱۵۲۵ آیین دادرسی مدنی فرانسه رأی را شناسایی کرده‌اند.^۱ بنابراین، می‌توان گفت نظر قضات فرانسه به نظر دیوان داوری نزدیک‌تر بوده است و رویکردی مشابه در خصوص اجرای موقت معاهده اتخاذ کرده‌اند.

مقایسه با نظام حقوقی ایران

۱. جایگاه اجرای موقت در نظام حقوقی ایران

قراردادهای بین‌المللی مدت‌دار به دو دسته تقسیم می‌شوند. دسته‌ای از آنان معاهدات

1. www.costomerservices@lexology.com, Visited at 4 April 2017.

بین‌المللی‌اند که مستلزم رعایت تشریفات کامل میان تابعان حقوق بین‌الملل‌اند و حقوق و تکالیفی را بر آن‌ها بار می‌کنند. اما دسته دوم شامل توافقی‌های ساده اجرایی، اداری، فنی و خدماتی بین کشورها می‌شوند که ماهیتاً با حاکمیت دولت‌ها ارتباط ندارند. مطابق اصل ۷۷ قانون اساسی، دولت بین این دو دسته تفاوتی قائل نشده و بسیار سخت‌گیرانه برخورد کرده است. همچنین، در اصل ۱۲۵ بیان شده است که «امضای عهدنامه‌ها، مقوله‌نامه‌ها، موافقت‌نامه‌ها و قراردادهای دولت ایران با سایر دولت‌ها و همچنین امضای پیمان‌های مربوط به اتحادیه‌های بین‌المللی پس از تصویب مجلس شورای اسلامی با رئیس‌جمهور یا نماینده قانونی اوست». البته این مسئله تاحدودی در مصوبات شورای نگهبان و آیین‌نامه چگونگی تنظیم و رخداد توافقی‌نامه‌های بین‌المللی، تعدیل شده است و برای دسته دوم تصویب الزامی نیست (رجبی و ترازوی، ۱۳۹۴: ۲۱۱).

اما در خصوص معاهدات هنوز ابهاماتی وجود دارد. در قانون ایران بحثی از اجرای موقت نشده است و ماده صریحی در این باره، وجود ندارد و با این اوصاف به نظر می‌رسد هرگونه اجرای موقت معاهدات رسمی باید مراحل تصویب را طی کند (الهوویی نظری و پورکریم، ۱۳۹۳: ۱۱۳). البته در چند مورد ایران اجرای موقت را پذیرفته است، از جمله می‌توان به معاهده «منع کامل آزمایش‌های هسته‌ای ۱۹۹۶ (CTBT)» اشاره کرد که براساس آن اجرای موقت و جزئی معاهده در زمینه تأسیس سیستم و تأسیسات بین‌المللی لرزه‌نگاری و مانند آن صرفاً براساس تصویب شورای عالی امنیت ملی و تأیید رهبری عملی شده است (تیلا، ۱۳۸۲: ۲۵۹). نمونه دیگر، اجرای موقت «پروتکل الحاقی به توافق‌نامه بین دولت‌ها و آژانس‌های بین‌المللی انرژی اتمی به منظور اعمال تدابیر ایمنی» است که با تصمیم مقامات عالی کشور به امضای ایران و آژانس رسیده است. «به‌علاوه ایران در بیانیه تهران، موافقت‌نامه بروکسل و موافقت‌نامه پاریس، اجرای موقت پروتکل و حتی تداوم اجرای آن را تا تصویب معاهده پذیرفته است و این تعهد بر اجرای موقت پروتکل را به دبیرخانه آژانس نیز اعلام کرد» (تیلا، ۱۳۸۲: ۲۵۹).

با توجه به موارد ذکر شده، اگرچه در حقوق ایران به‌صراحت به اجرای موقت اشاره نشده است، اما عملاً در برخی موارد محدودیت‌های قانونی و لزوم تصویب نادیده گرفته و زمینه برای اجرای موقت معاهدات فراهم شده است. بنابراین، در صورتی که ایران منشور اولیه انرژی^۱ را امضا کند تا زمان تصویب و لازم‌الاجرا شدن معاهده مشروط به عدم مغایرت مفاد معاهده با قوانین داخلی، اجرای موقت برای کشور الزام‌آور است.

۲. نظام حاکم بر قواعد حل و فصل اختلافات ناشی از سرمایه گذاری در قانون

ایران

با توجه به اینکه ایران در حال حاضر عضو ناظر معاهده منشور است و در صورت تصمیم بر الحاق دائم ملزم به حذف یا اصلاح مقررات متناقض خود است، بررسی و شناسایی این مقررات اهمیت بسیاری دارد، لذا در این قسمت تناقضات موجود میان قواعد حل و فصل اختلاف میان سرمایه گذار و دولت میزبان را بررسی می‌کنیم.

۲.۱. روش مذاکرات دوستانه

در بند ۱ ماده ۲۶، حل و فصل اختلافات ناشی از سرمایه گذاری میان سرمایه گذار و دولت میزبان از طریق مذاکرات دوستانه مطرح شده است که هیچ‌گونه مغایرتی با قانون ایران ندارد، زیرا به این امر در ماده ۱۹ قانون تشویق و حمایت از سرمایه گذاری تصریح شده است (صادقی و غفاری‌فارسانی، ۱۳۸۸: ۳۸۹). همچنین، مراجعه سرمایه گذار خارجی به دادگاه‌ها و مراجع ذیصلاح ایرانی یا به‌کارگیری هر روش حل اختلاف مورد توافق طرفین با قانون ایران سازگار است. به این امر نیز در تصویب‌نامه مربوط و قراردادهای BOT، مشارکت مدنی و بیع متقابل ۱۳۸۲ تأکید شده است. طبق این نصوص قانونی دستگاه‌های طرف قرارداد موظف‌اند در صورت امکان، قوانین ایران را به‌منزله قانون حاکم و محاکم داخلی ایران را به‌منزله مرجع حل اختلاف یا داوری ناشی از قراردادهای موصوف تعیین کنند (صحرانورد، ۱۳۹۳: ۲۱۹).

۲.۲. روش داوری بین‌المللی

براساس ماده ۲۶ معاهده منشور انرژی در صورتی که روش مذاکرات دوستانه یا هر روش مورد توافق طرفین بی‌نتیجه باشد، مکانیزم ارجاع به داوری اجباری است. عمده مغایرت قانون ایران نیز به شیوه داوری بازمی‌گردد که در ادامه این مواد بررسی خواهند شد.

الف) اصل ۱۳۹ قانون اساسی.

اصل ۱۳۹ بیان می‌دارد: «صلح دعاوی راجع به اموال عمومی و دولتی یا ارجاع آن‌ها به داوری در هر مورد موکول به تصویب هیئت وزیران است و باید به اطلاع مجلس برسد. در مواردی که طرف دعوی خارجی باشد و در موارد مهم داخلی باید به تصویب مجلس نیز برسد، موارد مهم را قانون معین می‌کند».

با توجه به متن اصل مذکور، در دعاوی که طرف اختلاف، تبعه خارجی باشد تصویب مجلس به‌منظور ارجاع به داوری الزامی است، همان‌گونه که در ماده ۴۵۷ قانون آیین دادرسی مدنی نیز بر این امر تأکید شده است. براساس این ماده «ارجاع دعاوی راجع به اموال عمومی و

دولتی بر داوری پس از تصویب هیئت وزیران و اطلاع مجلس شورای اسلامی صورت می‌گیرد. در مواردی که طرف دعوی خارجی یا موضوع دعوی از موضوعاتی باشد که قانون آن را مهم تشخیص داده، تصویب مجلس شورای اسلامی ضروری است.»

اما هیچ قانونی به صورت شفاف و دقیق این موارد را بیان نکرده است و باید این موارد مهم را به صورت موردی از قوانین مختلف استخراج کرد (صحرانورد، ۱۳۹۳: ۲۲۰). یکی از موارد مهم براساس قانون نفت ۱۳۶۶^۱، منابع نفت است که در حاکمیت دولت است، همان‌گونه که حاکمیت دولت‌ها بر منابع انرژی در ماده ۱۸ منشور انرژی نیز به رسمیت شناخته شده است. بنابراین، با توجه به موارد مذکور و متن شق الف از بند ۳ ماده ۲۶ که موافقت بی‌قید و شرط هر دولت عضو مبنی بر ارجاع اختلافات ناشی از سرمایه‌گذاری به داوری را اعلام می‌کند، اصل ۱۳۹ قانون اساسی با معاهده منشور انرژی تعارض دارد. برخی از استادان تحلیل‌هایی از اصل مذکور ارائه کرده‌اند که از جمله منعطف‌ترین این تفاسیر عبارت‌اند از: ۱. اصل ۱۳۹ ناظر بر دعاوی با موضوع اموال عمومی و دولتی است و شرط مندرج در آن به موضوع قرارداد داوری اشاره دارد و طرف قرارداد (مسئله اهلیت) از دایره شمول این اصل خارج است (جنیدی، ۱۳۷۶: ۹۴). از طرف دیگر، مطابق اصول حقوقی اگر اجازه یا مجوزی برای اعتبار عمل حقوقی لازم باشد تا قبل از تحصیل مجوز مزبور عمل حقوقی غیرنافذ و پس از تحصیل آن عمل مزبور نافذ می‌شود حتی اگر تحصیل مجوز بعد از وقوع عمل حقوقی و در فرض ما، هنگام بروز اختلاف و ارجاع به داوری باشد. این تفسیر مبنایی برای رویه قضایی ایران شده است تا با تکیه بر توجه اصل ۱۳۹ به موضوع داوری و نه اهلیت اطراف آن، با تفکیک بین اموال دولتی اختصاص داده شده به اهداف حاکمیتی و اموال به‌کارگرفته شده برای مقاصد تصدی‌گرانه، اصل را به دعاوی مربوط به اموال گروه اول محدود بدانند. جمع دو نکته بالا در تفسیر محققان از منشور مؤثر واقع شد که در ادامه توضیح داده می‌شود. ۲. برخی محققان با تکیه بر دو نکته ذکرشده، سعی در حل این تعارض داشته‌اند. بر پایه این عقیده، مراد اصل ۱۳۹ قانون اساسی از اموال عمومی و دولتی، اموالی است که به‌منظور اعمال حاکمیت دولت در اختیار وی قرار می‌گیرد. چنین اموالی در حقوق بین‌الملل عرفی نیز از تعقیب و توقیف مصون‌اند، مانند سفارت‌خانه‌ها و ... در مقابل اموالی که دولت نه از باب حاکمیت که به‌منزله تصدی در اختیار و مالکیت دارد، هیچ‌گونه خصوصیت و برتری نسبت به اموال غیردولتی ندارد و در حقوق بین‌الملل عرفی نیز از توقیف در امان نیست. رویه مسلم داوری بین‌المللی نیز نه دولت را در

۱. منابع نفت جزو انفال و ثروت‌های عمومی به شمار می‌روند و طبق اصل ۴۵ قانون اساسی در اختیار حکومت اسلامی‌اند. کلیه تأسیسات، تجهیزات، دارایی‌ها و سرمایه‌گذاری‌ها که در داخل و خارج کشور از سوی وزارت نفت و شرکت‌های تابعه به عمل آمده است یا خواهد آمد، متعلق به ملت ایران و در اختیار حکومت خواهد بود.

مقام تصدی از تعقیب مصون می‌داند و نه اموال وی را مصون از توقیف. بنابراین، اگر چنین برداشتی از اصل ۱۳۹ پذیرفته شود، از آنجا که دعوی دولت به طرفیت سرمایه‌گذار خارجی غالباً مربوط به اموالی است که دولت به لحاظ اصل ۴۴ قانون اساسی در مقام اعمال تصدی در اختیار دارد، ارجاع آن‌ها به داوری با ماده ۲۶ معاهده منشور انرژی مغایرتی نخواهد داشت (صحرانورد، ۱۳۹۳: ۲۲۲-۲۲۳).

البته اطلاق تفسیر اخیر محل تأمل است، زیرا در سرمایه‌گذاری‌های بزرگ که در اقتصاد ملی مؤثر است حتی اگر موضوع آن ضرورتاً تجهیزات و تأسیسات مربوط به امنیت ملی نباشد، ممکن است موضوع واجد جنبه حاکمیتی تلقی شود. به همین جهت، قانون‌گذار در تصویب بسیاری از کنوانسیون‌ها از جمله کنوانسیون نیویورک در خصوص شناسایی و اجرای آرای داوری خارجی با وجود استفاده از رزرو تجاری بودن، بر لزوم رعایت اصل ۱۳۹ تأکید کرده است. به موجب تبصره بند ۲ ماده واحده الحاق ایران به کنوانسیون مذکور: «رعایت اصل ۱۳۹ قانون اساسی در خصوص ارجاع به داوری لازم است». لذا، در صورتی که رأی داوری خارجی مرتبط با اموال عمومی و دولتی صادر و به دلیل ماهیت موضوع یا تأثیر آن در اقتصاد ملی به نوعی حاکمیتی تلقی شود و با مفاد اصل ۱۳۹ در تعارض باشد، با استناد به رزرو بالا یا با استناد به مانع نظم عمومی این رأی ممکن است در ایران شناسایی نشود و قابلیت اجرا نداشته باشد.

(ب) ماده ۱۹ قانون تشویق و حمایت از سرمایه‌گذاری خارجی ۱۳۸۱.

نظر به اینکه در حقوق ایران قانون خاصی در خصوص سرمایه‌گذاری در بخش انرژی تدوین نشده است قانون حمایت و تشویق سرمایه‌گذاری خارجی در این حوزه اجرا می‌شود.

ماده ۱۹ قانون تشویق و حمایت از سرمایه‌گذاری خارجی با مقررات حل و فصل اختلاف معاهده منشور انرژی مغایرت دارد. براساس این ماده: «اختلافات بین دولت و سرمایه‌گذاران خارجی در خصوص سرمایه‌گذاری‌های موضوع این قانون چنانچه از طریق مذاکره حل و فصل نگردد، در دادگاه‌های داخلی مورد رسیدگی قرار می‌گیرد. مگر آنکه در قانون موافقت‌نامه دوجانبه سرمایه‌گذاری با دولت سرمایه‌گذار خارجی در مورد شیوه دیگری از حل و فصل اختلافات توافق شده باشد».

با توجه به متن ماده ۱۹، قانون‌گذار تنها مذاکرات دوستانه و شیوه قضایی را مطرح و ارجاع به داوری را به وجود معاهده دوجانبه میان دولت متبوع سرمایه‌گذار و دولت ایران منوط کرده است. بنابراین، سرمایه‌گذار در صورتی می‌تواند دعوی را به داوری ارجاع دهد که علاوه بر عضویت دولت متبوعش در معاهده منشور انرژی، با دولت ایران معاهده دوجانبه حاوی شرط داوری داشته باشد که این امر با بند ۳ ماده ۲۶ معاهده منشور انرژی که رضایت بی‌قید و شرط طرفین متعاهد به ارجاع اختلافات به داوری را بیان کرده است، مغایر است (صادقی و

غفاری‌فارسانی، ۱۳۸۸: ۳۹۰) (صحرانورد، ۱۳۹۳: ۲۲۱)، اگرچه حتی این تفسیر نیز لزوماً مقبولیت عام ندارد.

برخی استادان در این خصوص استدلال کرده‌اند که با توجه به ذکر امکان ارجاع دعاوی به داوری در صورت وجود معاهده دوجانبه این امکان در خصوص معاهدات چندجانبه نیز وجود دارد. اما با توجه به اینکه حل‌وفصل اختلاف از طریق داوری به‌منزله استثنای قاعده کلی ماده ۱۹ قانون تشویق مطرح شده است نمی‌توان این حکم استثنایی را به تمام موارد تعمیم داد. در خصوص اجرای آرای داوری نسبت به حل‌وفصل اختلاف از طریق داوری قانون ایران از انعطاف بیشتری برخوردار است. ایران در سال ۱۳۸۰ به کنوانسیون نیویورک ناظر بر شناسایی و اجرای آرای داوری بین‌المللی پیوسته است. براساس ماده واحد الحاق ایران به این کنوانسیون: «۱. جمهوری اسلامی ایران کنوانسیون را منحصراً در مورد اختلافات ناشی از روابط حقوقی قراردادی که حسب قوانین ایران تجاری محسوب می‌شوند، اعمال خواهد کرد. ۲. جمهوری اسلامی ایران فقط کنوانسیون را براساس رابطه متقابل اعمال و احکامی را شناسایی و اجرا خواهد کرد که در قلمرو یکی از دولت‌های عضو کنوانسیون صادر شده باشد. تبصره: رعایت اصل ۱۳۹ قانون اساسی در خصوص ارجاع به داوری الزامی است».

اگرچه به طور کلی در خصوص ماده مذکور و اجرای آرای داوری مطابق معاهده منشور انرژی تعارضی وجود ندارد، با توجه به تأکید قانون‌گذار بر لزوم رعایت اصل ۱۳۹ قانون اساسی چنانچه رأیی علیه ایران صادر شود تفاسیر متنوع از اصل مزبور ممکن است به نتایج متفاوت از نظر امکان اجرای رأی منجر شود.

پیچیدگی مکانیزم ارجاع به داوری در قانون ایران در شرایط کنونی و متداول بودن این روش در عرصه بین‌المللی سبب کاهش تمایل سرمایه‌گذاران خارجی به سرمایه‌گذاری در ایران می‌شود، زیرا رجوع به محاکم داخلی ایران یا توسل به حمایت‌های دیپلماتیک مرسوم از نظر آن‌ها روش‌هایی غیر قابل اتکاست و ریسک بالایی دارد.

همان‌طور که مشاهده کردیم، قانون ایران در خصوص شیوه حل‌وفصل اختلافات شباهت زیادی به قانون روسیه دارد و در صورتی که دعوی یوکاس علیه دولت ایران اقامه می‌شد، استدلالاتی مشابه استدلالات دولت روسیه ارائه می‌شد. حال، حتی اگر بتوان تعارض موجود در قانون ایران و معاهده را در مرحله اجرای موقت با پذیرش نظر دادگاه لاهه هلند نادیده گرفت، در مرحله الحاق دائم این تعارضات باید برطرف شوند.

نتیجه‌گیری

نهاد اجرای موقت معاهدات امکان ارزیابی مزایای معاهده پیش از الحاق دائم را فراهم کرده و

استفاده از این نهاد روزبه‌روز در حال گسترش است. در ماده ۴۵ معاهده منشور انرژی به دلیل اهمیت انرژی و تأثیر آن در اقتصاد جهانی به منظور مشارکت وسیع و اجرای سریع پیمان، این نهاد پیش‌بینی شده است، اما از آنجا که قلمرو آن به طور دقیق مشخص نشده است، دعاوی مختلفی بروز یافتند که مهم‌ترین آن‌ها پرونده یوکاس است. در پرونده یوکاس علیه روسیه اگرچه دیوان داوری خود را صالح دانست و به نفع خواهان ردی صادر کرد، اما دادگاه لاهه به منزله دادگاه صالح محل داوری با تفسیری متفاوت از اجرای موقت مذکور در ماده ۴۵ معاهده منشور انرژی دیوان داوری را فاقد صلاحیت تلقی و رأی را باطل کرد. این اقدام دادگاه لاهه موجب اجرانکردن این رأی در هلند شد، اما کشورهای دیگری که ابطال را فاقد اثر فراسرزمینی می‌دانند و خود را به پیروی از حکم مذکور ملزم نمی‌دانند ممکن است رأی را شناسایی و اجرا کنند، برای مثال می‌توان به شناسایی رأی از سوی فرانسه اشاره کرد. نظر به اهمیت این پرونده و احتمال رویه‌سازشدن آن جا دارد کشورهای داوطلب عضویت از جمله ایران پیش از امضای اعلامیه منشور انرژی، استدلال‌ات مطروحه در رأی مذکور را بررسی کنند.

با توجه به متن ماده ۴۵ معاهده منشور انرژی مکانیزم حاکم بر بندهای ۱ و ۲ این ماده متفاوت است. بند ۲ حاکم بر مواردی است که امضاکننده معاهده به هر دلیلی اعم از سیاسی، اقتصادی و ... معاهده را به صورت موقت اجرا نکند. در این فرض، صدور اعلامیه برای استفاده از مزایای این بند الزامی است، اما برای بهره‌مندی از مزایای بند ۱ صدور اعلامیه ضروری تلقی نشده است. دیوان داوری و دادگاه لاهه در خصوص این امر اتفاق نظر داشته‌اند.

براساس بند ۱ ماده ۴۵ امضاکنندگان معاهده ملزم به اجرای موقت آن هستند تا حدی که مغایر با قانون اساسی، قوانین و مقررات داخلی آن‌ها نباشد. در پرونده یوکاس، دیوان اصل اجرای موقت را با قانون این کشور سازگار دانست، همچنین اذعان داشت که قوانین روسیه در خصوص ارجاع دعاوی به داوری با مقررات معاهده منشور انرژی مغایرتی ندارند و در نتیجه براساس بند ۱ ماده ۴۵ معاهده مذکور، روسیه را به اجرای کامل (همه یا هیچ) معاهده ملزم دانسته است. در مقابل این نظر، دادگاه لاهه رویکرد اجرای موردی را صحیح دانسته و از آنجا که مقررات منشور در خصوص روش‌های حل‌وفصل اختلاف و به‌خصوص ارجاع دعاوی به داوری را با قانون روسیه مغایر انگاشته است، این کشور را به رعایت این مقرره ملزم ندانسته است. در این خصوص باید نظر دادگاه را ارجح بدانیم، زیرا با متن صریح ماده سازگارتر است.

در مقام مقایسه مقررات ایران با مقررات معاهده منشور انرژی و استدلال‌ات مطروحه در پرونده یوکاس ذکر چند نکته حائز اهمیت است؛ اول اینکه نهاد اجرای موقت به‌صراحت در قانون ایران ذکر نشده است، اما با توجه به اینکه در چند مورد اجرای موقت پذیرفته شده است، به نظر می‌رسد در صورت امضای اعلامیه منشور انرژی تا زمان تصویب و لازم‌الاجراشدن معاهده، مشروط به اینکه مفاد معاهده با قوانین داخلی مغایرتی نداشته

باشند، اجرای موقت الزام آور خواهد بود. بنابراین، مقامات ذی ربط باید به این موضوع توجه وافی داشته باشند.

در خصوص مقررات حاکم بر حل و فصل اختلافات نیز قوانین ایران درباره ارجاع اختلافات به داوری شباهت زیادی به قوانین روسیه دارد. از همین رو، خطرهای ناشی از تفاسیر گوناگون از سوی مراجع رسیدگی کننده در کمین نظام قانونی ما نیز است، لذا برای جلوگیری از چنین اختلافاتی یا باید تفسیر اصل ۱۳۹ قانون اساسی مبنی بر ایجاد تمایز میان اعمال تصدی و حاکمیتی دولت را پذیرفت یا رویه قضایی به سمت پذیرش حل و فصل اختلافات از طریق داوری پیش رود. ایران در صورتی که الحاق به معاهده را مجموعاً به نفع خود بداند، می تواند در زمان امضای منشور نام خود را در فهرست کشورهای ضمیمه IA و ID وارد کند. کشورهایی که اسم آن ها در ضمیمه IA قید شود، می توانند در خصوص نقض تعهدات قراردادی جزئی و ساده از اعلام رضایت بی قید و شرط به داوری بین المللی خودداری کنند. کشورهای نام برده شده در ضمیمه ID از ارجاع اختلافاتی که پیش تر از سوی سرمایه گذار نزد محاکم و مراجع داخلی کشور میزبان یا هر طریق مورد توافق طرفین بررسی شده باشد مصون می دارد.

منابع

الف) فارسی

۱. تیلا، پروانه (۱۳۸۲). «جایگاه اجرای موقت پروتکل الحاقی معاهده عدم گسترش سلاح های هسته ای در حقوق ایران»، مجله پژوهش های حقوقی، شماره ۴، ۲۴۳-۲۶۵.
۲. جنیدی، لعیا (۱۳۷۶). *قانون حاکم در داوری های تجاری بین المللی*، چاپ اول، تهران: نشر دادگستر.
۳. _____ (۱۳۹۲). *اجرای آرای داوری بازرگانی خارجی*، چاپ سوم، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش های حقوقی.
۴. رجبی، عبدالله و ترازوی، نسرین (۱۳۹۴). «اجرای موقت معاهده منع جامع آزمایش هسته ای و اثر آن بر ایران»، مجله مطالعات حقوق انرژی، دوره یک، شماره ۲، ۱۸۵-۲۱۶.
۵. صادقی، محسن و غفاری فارسانی، بهنام (۱۳۸۸). «حل اختلافات سرمایه گذاری در معاهده منشور انرژی و آثار الحاق ایران به آن»، مجله پژوهش های حقوقی، شماره ۱۶، ۳۷۹-۴۰۱.
۶. صحرانورد، اسدالله (۱۳۹۳). *آثار حقوقی الحاق ایران بر پیمان منشور انرژی*، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش های حقوقی.
۷. طارم سری، مسعود و هاشمیان، مسعود (۱۳۸۴). *متن معاهده منشور انرژی و ضمیمه آن*، تهران: مؤسسه مطالعات بین المللی انرژی.

۸. مردانی، نادر و بهمنی بهلولی، حمیده (۱۳۹۳). «حق سرمایه‌گذار خارجی در اقامه مستقیم دعوا علیه دولت میزبان براساس مکانیزم حل‌وفصل اختلاف معاهده منشور انرژی»، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۶۷، ۲۴۳-۲۶۸.
۹. الهویی نظری، حمید و پورکریم، بهنام (۱۳۹۳). «اجرای موقت معاهدات»، مجله اندیشه‌های حقوق عمومی، فصل سوم، شماره دوم، ۹۷-۱۱۶.

ب) انگلیسی

10. Asada, Masahiko (2002). "CTBT: Legal Questions Arising from Its Non-entry-in to- force", *Journal of Conflict and Security Law*, vol. 7, No. 1, 85-122.
11. Aust, Anthony (2000). *Modern Treaty law And Practice*, Cambridge University Press.
12. Gazzini, Tarcisio (2010). "Provisional Application of the Energy Charter Treaty: A Short Analysis of Article 45", *Transnational Dispute Management*, Vol. 7, Issue 1, available at <http://ssrn.com/abstract=1763336>.
13. Laidlaw, Peter C (2012). "Provisional Application of Energy Charter As Seen in the Yukos Dispute", *Santa Clara law Review*, Vol. 52, No 2, 655-684.
14. Michie, Andrew (2005). "The provisional Application of Arms Control Treaties", *Journal of Conflict and Security Law*, Vol. 10, No. 3, 345-377.
15. Niebruegge, Alex M (2007). "Provisional Application of the Energy Charter Treaty: The Yukos Arbitration and the future Place of Provisional Application In International Law", *Chicago Journal of International Law*, Vol. 8, No. 1, 354-376.
16. Rogoff, Martin A (1980). "The International Legal Obligations of Signatories to an Unratified Treaty", *Main Law Review*, Vol. 32, 263-299.
17. www.costomerservices@lexology.com, Visited at 4 April 2017.

پ) پرونده‌ها

18. *The Russian Federation v. Hulley Enterprises Limited & Vetrans Petroleum Limited & Yukos Universal Limited*, The Hague District Court, 20 April 2016.
19. *Yukos Universal Limited v. The Russian Federation*, PCA arbitration, Case No, AA 227, Interim Award, 30 November 2009.
20. *Yukos Universal Limited v. The Russian Federation*, PCA Arbitration, Case No. AA 227, Final Award, Award 18 July 2014.
21. *Iiabbzs Kardassopoulos and Ron Fuchs v. Georgia*, ICSID arbitration, Case No.ARB/05/18, Award 6 July 2007.

ج) اسناد

۲۲. قانون اساسی ایران مصوب ۱۳۵۸.
۲۳. قانون تشویق و حمایت از سرمایه‌گذاری خارجی مصوب ۱۳۸۰ و اصلاحیه ۱۳۸۱.

24. Agreed text for adoption in the Hague at the Ministerial Conference on the International Energy Charter, 20 May 2015.
25. Arbitrazh Procedure Code of the Russian Federation of 14 November 2002.
26. Civil Procedure Code of the Russian Federation of 14 November 2002.
27. Federal Law on International Treaties of the Russian Federation 1995.
28. Russian Federation Law on Foreign Investments 1991.
29. Russian Federation Law on Foreign Investments 1999.
30. Vienna Convention on the Law of Treaties 1996 (VCLT).